

به نام خدا

تحولات پرونده هسته‌ای ایران:

از ۱۷۳۷ تا ۱۷۴۷

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	علل صدور قطعنامه ۱۷۳۷
۴	بررسی دیدگاه‌های گروه ۵+۱
۶	رویکردهای خارجی
۱۰	رویکردهای داخلی
۱۲	از قطعنامه دوم تا قطعنامه سوم: مقایسه
۱۵	تحلیل نهایی
۱۸	منابع و مآخذ

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۸۲۹۶

دفتر: مطالعات سیاسی

فروردین ماه ۱۳۸۶



تحولات پرونده هسته‌ای ایران:

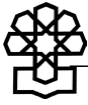
از ۱۷۳۷ تا ۱۷۴۷

مقدمه

در دوم اسفندماه، مهلت ۶۰ روزه شورای امنیت سازمان ملل برای اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ به پایان رسید. این قطعنامه ذیل ماده (۴۱) فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران صادر و به تصویب رسید.

موضوع فصل ۷ منشور سازمان ملل مربوط به اموری است که صلح و امنیت جهانی را تهدید و به مخاطره می‌افکند. از نظر حقوقی، تصمیمات شورای امنیت در قالب فصل ۷ برای تمام کشورها الزام‌آور است. فصل ۷ دارای چهار ماده (۳۹)، (۴۰)، (۴۱) و (۴۲) است. ماده (۳۹) اقدام به تشخیص تهدید می‌نماید. ماده (۴۰) تدابیر لازم را برای جلوگیری از گسترش تهدید و وخامت اوضاع را پیش‌بینی می‌کند و ماده (۴۱) تحریم‌های سیاسی و اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهد. ماده (۴۲) هم مجوز اعمال زور و به‌کارگیری نیروی نظامی در ابعاد مختلف را مدنظر دارد.

در ارتباط با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل تاکنون چهار مرحله مهم را طی یک سال گذشته به اجرا گذاشته‌اند:



الف) در اسفند سال ۱۳۸۴، پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت فرستاده شد.

ب) در فروردین سال ۱۳۸۵، شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای از ایران خواست تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را به حالت تعلیق کامل درآورد.

ج) در مرداد ۱۳۸۵ قطعنامه ۱۶۹۶ که ذیل ماده (۳۹) و (۴۰) از فصل هفتم منشور سازمان ملل بود، صادر گردید که براساس آن، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت جهانی به حساب می‌آید.

د) در دوم دی ماه سال ۱۳۸۵ نیز قطعنامه ۱۷۳۷ ذیل ماده (۴۱) فصل ۷ منشور سازمان ملل با اجماع ۱۵ عضو به تصویب رسید تا بر مبنای آن، چنان‌چه جمهوری اسلامی ایران ظرف مدت ۶۰ روز به مفاد قطعنامه مزبور عمل نکند، تحریم‌های اعمال شده در قطعنامه ۱۷۳۷ به صورت پلکانی، شدیدتر شود و گستره بیش‌تری پیدا نماید. تحریم‌های مندرج در ماده (۴۱)، اقتصادی و سیاسی (قطع روابط دیپلماتیک) پیش‌بینی شده است.

ضرب‌الاجل ۶۰ روزه قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران در دوم اسفند ماه سال جاری به پایان رسید. البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر مبنای قطعنامه فوق گزارش خود را به شورای حکام و رونوشت آن را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد. این گزارش دو نکته کلیدی دارد:

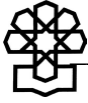
۱. اعلام شد که جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را براساس قطعنامه ۱۷۳۷ تعلیق نکرده در عین حال همکاری با آژانس را حفظ کرده است.



۲. در این گزارش آمده است که در بازرسی از ایران انحراف به سمت سلاح اتمی به دست نیامده است. آژانس در واقع همانند گذشته اعلام کرده که می‌تواند اظهار دارد که فعالیت‌های هسته‌ای ایران غیرصلح‌آمیز نیست، اما در عین حال اثبات صلح‌آمیز بودن آن چیز دیگری است.

علل صدور قطعنامه ۱۷۳۷

درک صحیح از انگیزه‌های قطعنامه جدید برای مقابله با آن بسیار مهم است. از مواضع و دیدگاه‌های کشورهای غربی استنباط می‌شود که انگیزه اصلی فشارهای اقتصادی، ایجاد و تقویت «جریان مصالحه‌گرا (سازش‌گرا)» در داخل ایران است. تا از این رهگذر برنامه هسته‌ای ایران متوقف شده و سپس از طریق مذاکره دستاورد هسته‌ای ایران مورد معامله قرار گیرد. به نظر می‌رسد که با توجه به مواضع برخی جریان‌های سیاسی مانند بیانیه جبهه مشارکت و بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و واکنش برخی شخصیت‌های سیاسی، مقامات غربی به این استنباط رسیدند که فشارهای وارده و قطعنامه ۱۷۳۷ «توازن سیاسی» در تهران را به هم زده و در صورت ایجاد موج دیگری از فشارها، جریان سازش کار را تقویت خواهد ساخت، همان‌طور که رایس درخصوص تأثیر قطعنامه ۱۷۳۷ می‌گوید: قطعنامه اول بسیار ملایم‌تر بود اما تأثیر بسیار عمیقی در داخل ایران داشت. مک کورمک نیز ضمن تأکید بر این‌که قطعنامه ۱۷۳۷ نتایج شگفت‌انگیزی به همراه داشته اظهار داشت: بحث‌هایی در داخل ایران مبنی بر این‌که آیا بی‌اعتنایی ایران



به خواسته نظام بین‌المللی اقدامی عاقلانه بوده است یا خیر به‌وجود آمده است. انگلیسی‌ها نیز چنین تفسیری را داشتند.

بررسی دیدگاه‌های گروه ۵+۱

بر این اساس گروه ۵+۱ پس از پایان مهلت ۶۰ روزه قطعنامه ۱۷۳۷، اولین نشست خود را در لندن در سطح مدیران سیاسی برگزار کردند. دومین نشست این گروه به‌منظور دستیابی راه‌حلی برای برنامه هسته‌ای ایران در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۰ به‌صورت ویدئو کنفرانس انجام شد و ادامه بحث را به روز ۱۳۸۵/۱۲/۱۲ موکول کردند. در این ارتباط دو دیدگاه از سوی رسانه‌ها مطرح گردید؛ دیدگاه اول معتقد است که گروه ۵+۱ درخصوص قطعنامه جدید به توافقات کلی دست یافتند و اکنون در حال بحث در مورد موارد جزئی و تفصیلی آن می‌باشند، چنان‌که وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد که گروه ۵+۱ بر سر چارچوب قطعنامه جدید توافق کامل دارد. دیدگاه دوم بر این باور است که گروه ۵+۱ دارای اختلافات گسترده‌ای است و تاکنون به هیچ توافقی دست نیافته است.

با این حال، چند سؤال مطرح است: آیا گروه ۵+۱ به توافق خواهد رسید؟ در صورت توافق، محدوده این اجماع چگونه خواهد بود؟ مفروض گروه ۵+۱ برای تشدید فشارها بر ایران چیست؟

برای رسیدن به سؤال اول باید دید که کشورهای ۵+۱ دارای چه ملاحظات و دیدگاه‌هایی درباره ایران هستند. بررسی مواضع روسیه در طی روزهای اخیر بیانگر مخالفت صریح با تحریم‌های مضاعف علیه ایران است. روس‌ها معتقدند که تحریم‌ها



مثمرتر نخواهد بود. روس‌ها به شدت نگران سوءاستفاده امریکایی‌ها از قطعنامه‌های شورای امنیت هستند. افزایش حضور نظامی امریکا در آب‌های خلیج فارس و استقرار سامانه دفاعی جدید در چک و لهستان، روس‌ها را درخصوص همراهی با یک قطعنامه جدید علیه ایران بسیار محتاط کرده است و بدین ترتیب طرفداران قطعنامه جدید باید تلاش زیادی برای برطرف کردن ذهنیت روس‌ها انجام دهند. چین دومین کشور از گروه ۱+۵ است که نسبت به قطعنامه جدید تردید دارد و کراراً اعلام کرده است که تحریم‌ها نباید هدف باشد. چینی‌ها اگر چه به صراحت روس‌ها سخن نمی‌گویند اما تاکنون رضایت خود را نسبت به «تحریم مضاعف» اعلام نکرده‌اند.

فرانسه خود را نه طرفدار تحریم پرشدت و نه عدم تحریم می‌داند. فرانسه سعی دارد سیاست فشار به‌صورت منطقی و با کنترل پیش رود. به همین جهت وزیر خارجه فرانسه تصریح کرد که من فکر نمی‌کنم که توسل به زور طرفداران زیادی داشته باشد راه حل را باید از راه مذاکره پیدا کرد. در عین حال فرانسوی‌ها خواهان اعمال تحریم‌های بیش‌تری می‌باشند چنان‌که سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد که این کشور امیدوار است برای توقف ایران از ادامه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم اقدامات بیش‌تری اتخاذ شود. اما سایر مواضع مقامات فرانسوی نشان می‌دهد که منظور آن‌ها از اعمال تحریم‌های بیش‌تر به معنای اجابت خواسته‌های امریکایی‌ها نیست. چنان‌چه بلازی وزیر خارجه فرانسه اظهار داشت: نقش فرانسه شکل دادن به یک تعادل است، تعادل بین امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها که خواهان تحریم‌های بیش‌تر هستند و روس‌ها و چینی‌ها که خواهان چنین سطحی از تحریم‌ها نیستند.



همان‌طور که ملاحظه شد، امریکا و انگلیس معتقدند که باید قطعنامه جدید با مفاد بسیار سختگیرانه‌ای تصویب شود. امریکا و انگلیس که قطعنامه ۱۷۳۷ را ضعیف ارزیابی می‌کردند معتقدند که خواسته‌های مغفول مانده آن‌ها باید در شرایط جدید مدنظر قرار گیرد.

آلمانی‌ها نیز به‌نظر می‌رسد به دیدگاه‌های امریکا و انگلیس نزدیک نباشند. نگاه آلمان به ایران قابل توجه است. عضو کمیسیون سیاست خارجه و کمیته منع گسترش تسلیحات پارلمان آلمان در اظهارنظری گفته است: ایران برای اروپا به‌گونه‌ای دارای معنا و مفهوم استراتژیک است، ایران نه تنها در زمینه اقتصادی به‌عنوان صادرکننده نفت و تأمین‌کننده بازارهای مصرف برای کشورهای اروپایی بلکه به‌عنوان فاکتور قدرتمند در خاورمیانه و خاور نزدیک به شمار می‌آید که هم در امنیت و هم در ناامنی منطقه تأثیرگذار است.

رویکردهای خارجی

در حال حاضر چهار رویکرد خارجی نسبت به مسأله هسته‌ای ایران مطرح است:

۱. رویکرد عملیات روانی و تهدید نظامی: مثلث امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی رویکرد مزبور را اتخاذ کرده‌اند. این بازیگران معتقدند که اقدامات همه جانبه فشار بر ایران به نحوی که ایرانی‌ها احساس کنند در لبه پرتگاه جنگ هستند، تنها راه حل مسأله هسته‌ای ایران است. این سیاست اخیراً در همایش یک روزه «ایران هسته‌ای» در رژیم صهیونیستی افشا شد. سخنرانان مدعو در این

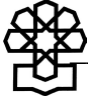


همایش به اتفاق گفتند که فشارهای سیاسی، اقتصادی و تهدید نظامی ایران را در نهایت به عقب‌نشینی وادار خواهد کرد.

بررسی اقدامات واشنگتن علیه ایران در ماه‌ها و هفته‌های اخیر بیانگر چنین اعتقادی در میان دولتمردان کاخ سفید می‌باشد. امریکا در ماه‌های اخیر ضمن جلب نظر کشورها در صدور قطعنامه تحریم (هر چند ضعیف) تلاش کرد تا مشکلات و موانع قابل ملاحظه‌ای در معاملات پولی و مالی ایران در عرصه‌های بین‌المللی ایجاد نماید. همچنین با اعزام ناوهای جنگی خود به منطقه خلیج فارس، دستور برخورد با ایرانی‌ها در عراق، تسخیر کنسولگری ایران در این کشور و ربودن دیپلمات‌های ایرانی این حس را در جامعه بین‌المللی و تا حدودی در داخل کشور ایجاد کرد که امریکا در حال آماده شدن برای یک حمله نظامی علیه ایران است.

در این میان نشریات و رسانه‌های روسی بیش از پیش بر حمله به ایران توسط امریکا تأکید می‌کنند که مهم‌ترین دلیل آن نقش دلالی روسیه در این بین می‌باشد. روس‌ها با بزرگنمایی تهدیدات امریکا سعی دارند امتیاز بیش‌تری از ایران بگیرند و از سوی دیگر رویکرد محافظه‌کارانه آن‌ها سبب شده است متحدی قابل اتکا برای ایران به شمار نرود.

اگر چه برخی از تحلیلگران و شخصیت‌های سیاسی شرایط به‌وجود آمده را جدی گرفته و اعلام کردند که به زودی رویارویی بین امریکا و ایران صورت خواهد گرفت لکن موقعیت امریکا در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و وضعیت ناپایدار رژیم صهیونیستی به‌گونه‌ای است که قادر به اقدام نظامی علیه کشوری که دارای



توانمندی‌های بالای نظامی، سه برابر جمعیت عراق و حاکمیت یکپارچه و موقعیت ژئوپلیتیکی حساس است، نمی‌باشد.

۲. **رویکرد تعلیق همزمان:** این رویکرد بر تعلیق همزمان فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تحریم‌های ناشی از قطعنامه ۱۷۳۷ و در نتیجه آغاز مذاکرات تأکید دارد. طرح تعلیق همزمان ابتدا توسط البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه شد سپس مورد حمایت روسیه قرار گرفت و فرانسوی‌ها نیز طی بیانیه‌ای اعلام کردند که اگر ایران غنی‌سازی را متوقف کند، تحریم‌ها نیز متوقف خواهد شد.

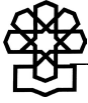
این طرح به هیچ‌وجه تأمین‌کننده حقوق ایران نیست. جمهوری اسلامی ایران پیش از صدور قطعنامه ۱۷۳۷ نشان داد که هرگز تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای را به‌عنوان پیش‌شرط مذاکرات با گروه ۵+۱ نمی‌پذیرد. به همین جهت حاضر شد که قطعنامه تحریمی ۱۷۳۷ صادر گردد لکن از مواضع اصولی و حقوقی خود عقب‌نشینی نکند. بدین ترتیب، این رویکرد نه قادر به جلب اعتماد جمهوری اسلامی است و نه اساساً از محتوای راه‌حل معقولی برای مسأله هسته‌ای ایران برخوردار است. به نظر ایران، با تعلیق برنامه هسته‌ای، اساساً انجام مذاکرات هیچ موضوعیتی ندارد.

۳. **رویکرد مذاکرات بدون پیش‌شرط:** برخی از کشورها و شخصیت‌های سیاسی خارج از کشور معتقدند که برای حل مسأله ایران راهی جز مذاکرات بدون پیش‌شرط وجود ندارد. همه کشورهای منطقه و اعضای جنبش عدم تعهد و برخی از کشورهای اروپایی از چنین رویکردی دفاع می‌کنند. این رویکرد حتی در داخل امریکا نیز دارای مدافعانی است. از جمله کسینجر، آلبرایت، ریچارد هاس و برژینسکی معتقدند که امریکا باید بدون پیش‌شرط با ایران وارد مذاکره شود و ضمن حل مسأله



هسته‌ای ایران، چالش‌های خود در خاورمیانه را نیز حل نماید. آلبرایت و کسینجر طی نامه‌ای به بوش این مسأله را متذکر شدند. آلبرایت یادآور شد که «ما می‌توانیم با دولت‌ها بدون نگاه کردن به اقدامات گذشته آن‌ها گفتگو کنیم». جمهوری اسلامی ایران نیز معتقد است که برای گفتگو آمادگی کامل دارد منتهی این مذاکرات باید بدون پیش‌شرط تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای باشد.

۴. **رویکرد پذیرش ایران هسته‌ای:** طرح پذیرش ایران هسته‌ای اگر چه قبلاً توسط برخی از کارشناسان غربی از جمله امریکا مطرح شده است اما با سخنان ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه مبنی بر این که «حتی ایران اگر یک یا دو سلاح هسته‌ای در اختیار داشته باشد، باز هم تهدیدی برای جهان محسوب نمی‌شود»، جایگاه خاصی پیدا کرد. به همین جهت اکثر تحلیلگران رسانه‌ای غرب از موضع‌گیری شیراک به‌عنوان استراتژی جدید غرب در قبال ایران یاد کردند. به‌عنوان نمونه نیویورک تایمز نوشت: «سخنان رئیس جمهوری فرانسه درباره ایران سبب شکل‌گیری استراتژی جدیدی در جهان درباره ایران می‌شود. شیراک اولین رهبر غربی است که پذیرفتن ایران به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای را به گزینه‌های دیگر مثل جنگ، ترجیح می‌دهد». نکته قابل توجه این‌که این رویکرد به موضع شیراک محدود نشد و پس از وی معاون وزیر خارجه سابق فرانسه نیز موضع مشابهی را اتخاذ کرد. البته می‌بایست تأکید نمود طبعاً مجموعه غرب چنین رویکردی را قبول نخواهد کرد. حتی روسیه نیز در چنین حالتی حاضر به حمایت از ایران نخواهد بود. البته این نکته قابل ذکر است که جمهوری اسلامی ایران سلاح هسته‌ای را به هیچ وجه در استراتژی دفاعی خود قرار نداده است. با این حال، غرب باید ایران هسته‌ای صلح‌آمیز را به رسمیت بشناسد. رویکرد



فوق بیانگر این مسأله است که مقاومت جمهوری اسلامی ایران، غربی‌ها را متقاعد خواهد کرد که ایران را در باشگاه هسته‌ای صلح‌آمیز بپذیرند.

۵. **رویکرد چندوجهی:** پس از این‌که طرح‌های مختلفی در هفته‌های اخیر درباره خروج از بن‌بست هسته‌ای ایران توسط بازیگران مختلف مطرح شد و همچنین رایزنی‌هایی که دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با روسیه، آژانس و برخی از کشورهای اروپایی، به‌ویژه خاویر سولانا داشت، این رویکرد تقویت شد که احتمالاً میانگین طرح‌های مختلف مطروحه، مبنای جدیدی برای آغاز گفتگوها بین ایران و اروپایی‌ها گردد. گفته می‌شود که طرح مزبور، تلفیقی از طرح البرادعی و پیشنهادهای روسیه با اندکی اصلاح و در چارچوب توافقات پیشین لاریجانی و سولانا می‌باشد. در همین ارتباط رسانه‌هایی از قول برخی از دیپلمات‌های غربی عنوان کردند که برخی کشورهای اروپایی طرح جدیدی را به‌منظور یافتن راهی برای پایان دادن به مسأله هسته‌ای ایران ارائه داده‌اند. براساس این طرح، جمهوری اسلامی ایران نصب سانتریفیوژهای خود را در مقیاس پایلوت داشته باشد، منتهی هگزافلوراید برای تولید سوخت تزریق نکند.

رویکردهای داخلی

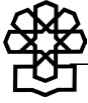
در حال حاضر دو رویکرد در مسأله هسته‌ای ایران وجود دارد. این رویکردها در شرایطی که فشارهای امریکا بیش‌تر می‌شود از نمود بیش‌تری برخوردار می‌گردد.



۱. رویکرد بازگشت به تفاهمنامه پاریس

اکثر اعضای تیم سابق هسته‌ای ایران پس از مشاهده فشارهای امریکا و به ویژه پس از تصویب قطعنامه ۱۷۳۷، طرح بازگشت به تفاهمنامه پاریس را مطرح ساختند. البته برخی از جریان‌های سیاسی از جمله جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب نیز از این طرح دفاع کردند. اگر چه طراحان رویکرد فوق دقیقاً مبانی طرح خود را آشکار نساختند اما به نظر می‌رسد آن‌ها معتقدند که ایران باید پیش‌شرط امریکا مبنی بر تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای را بپذیرد.

ذکر این نکته ضروری است که تفاهمنامه پاریس اگر در ظاهر دارای مفاد قابل اعتنایی است، اما عملاً نشان داد که اروپایی‌ها آن چیزی را که در پیش‌نویس اولیه تفاهمنامه پاریس تأکید داشتند، به هیچ‌وجه کنار نگذاشته و تأکید بر «تعلیق دائم» فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارند. اساساً وقتی روند مذاکرات ایران و اروپا را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم و سیر توافقات دو طرف را تا توافقنامه پاریس بررسی می‌کنیم، روشن می‌شود که آن‌ها به صورت حساب شده و گام به گام و به صورت پلکانی ایران را وادار به تعلیق همه فعالیت‌های هسته‌ای کردند و در نهایت مذاکراتی که در کمیته‌های سه‌گانه ناشی از تفاهمنامه پاریس صورت گرفته بود، به این نتیجه ختم شد که ایران همه فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف و تعطیل کند و این تنها راه تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران از دیدگاه آن‌هاست.



۲. رویکرد مقاومت

برعکس رویکرد فوق، مدافعان رویکرد مقاومت معتقدند که نباید هیچ‌گونه تعلیقی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران صورت گیرد. زیرا این راه تجربه شده است و امریکا و اروپا از تعلیق ایران برای مذاکره، تصویری جزء تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران ندارند. از سوی دیگر این دیدگاه معتقد است که به جای نگاه به فشارها و محدودیت‌سازی‌های غرب باید به توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران و ضعف‌های دشمن تکیه کرد و راهبردهایی از این زاویه جهت برون رفت از تنگناها و فشارهای موجود اتخاذ کرد. در واقع نگاه مبتنی بر غنی‌سازی محدود نیز در زمره این رویکرد قرار می‌گیرد.

از قطعنامه دوم تا قطعنامه سوم: مقایسه

نهایتاً در ۱۴ مارس ۲۰۰۷ پیش‌نویس قطعنامه سوم بر ضد جمهوری اسلامی ایران، پس از سه هفته مذاکرات بین ۱+۵، به ۱۰ عضو غیردائم شورای امنیت ارائه شد و نهایتاً در سوم فروردین ۱۳۸۶ به تصویب نهایی رسید (قطعنامه ۱۷۴۷). نکته جالب درباره این قطعنامه که اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد، زمان تأیید پیش‌نویس آن است؛ ۱۴ مارس. این تاریخ در واقع نام جریان طرفداران دولت سینیوره و مخالفان ائتلاف حزب... با دیگر گروه‌های لبنانی که مورد حمایت ایران نیز هستند، می‌باشد.

این پیش‌نویس که نهایتاً به قطعنامه ۱۷۴۷ تبدیل شد با اتکا به قطعنامه‌های پیشین ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران، خواستار اجرای مفاد آن‌ها گشته و اقدامات



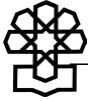
خود را مستند به ماده (۴۱) منشور (که مرتبط با تحریم‌های اقتصادی است) کرده است. قطعنامه ۱۷۴۷ دربرگیرنده سه محور عمده می‌باشد:

۱. تشدید تحریم‌های نظامی

در قطعنامه ۱۷۳۷، ایران عملاً از خرید و دسترسی بین‌المللی به تسلیحات مرتبط با برنامه موشکی و هسته‌ای محروم شده بود ولی در عین حال امکان فروش تسلیحات ایرانی به خارج وجود داشت. اما در قطعنامه جدید حوزه تحریم‌های نظامی گسترش می‌یابد، بدین صورت که اولاً محدوده آن از تسلیحات مرتبط با فناوری هسته‌ای و موشکی به تمامی تجهیزات نظامی اعم از توپ و تانک و بالگرد و زره‌پوش و ... گسترش می‌یابد و از طرف دیگر، ایران حق فروش تسلیحات به خارج از کشور را ندارد. این در حالی است که ایران، تنها در سال ۲۰۰۵ به میزان صد میلیون دلار انواع تسلیحات به کشورهای مختلف صادر کرد. با توجه به افزایش توانایی ایران در ساخت تجهیزات نظامی مختلف، جمهوری اسلامی ایران توانسته است با ۴۰ کشور در زمینه فروش تجهیزات نظامی قرارداد ببندد. همچنین لازم است بدانیم که قراردادهای نظامی در واقع ایجادکننده و تقویت‌کننده روابط دیپلماتیک هستند. با تصویب این بند قطعنامه ایران نه تنها به لحاظ روابط نظامی بلکه از جنبه دیپلماتیک نیز آسیب می‌بیند.

۲. تحریم‌های اقتصادی

بند هفتم قطعنامه خواستار آن است که هیچ کشوری جز در فعالیتهای انسان‌دوستانه و عمرانی، فعالیت مالی و اقتصادی با ایران نداشته باشند. این تحریم،



به‌ویژه در حوزه مبادلات اعتباری که بخش گسترده فعالیت اقتصادی کشور را پوشش می‌دهد (مثل شعبه‌ها و فعالیت‌های مالی بانک‌های ایران در خارج) قابل توجه است. این قطعنامه خواستار آن است که هیچ کشور یا مؤسسه مالی بین‌المللی به‌جز در موارد مذکور، با جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گونه کمک‌های بلاعوض، کمک‌های مالی و امتیاز وام جدیدی به امضا نرساند.

۳. تحریم ورود یا ترانزیت افراد درگیر و یا حامی فعالیت‌های هسته‌ای

این افراد که به‌طور خاص فرماندهان ارشد سپاه پاسداران هستند، در واقع به‌عنوان حامیان برنامه هسته‌ای معرفی شده‌اند. این در واقع به معنی آن است که برنامه هسته‌ای ایران به گونه‌ای است که عملاً منافع این افراد و سازمان‌های زیر دست آن‌ها را (که همگی نظامی هستند) تأمین می‌کند. در واقع این مسأله تلویحاً به معنی آن است که هدف نهایی برنامه هسته‌ای ایران، صلح‌آمیز نیست بلکه نظامی است، چرا که نظامیان محافظه‌کار (به بیان آن‌ها) حامی آن هستند.

در پایان نیز قطعنامه خواستار ارائه گزارش کشورها در ۶۰ روز پس از تصویب آن، درباره موارد تعهد آن‌ها به قطعنامه شده است و اقدامات بعدی خود را نیز در چارچوب ماده (۴۱) (تشدید تحریم‌های اقتصادی) معرفی کرده است. اما به هر حال جای خشنودی است که قطعنامه ۱۷۴۷ خواستار منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای (منطقه خاورمیانه) است و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مرجع نهایی تشخیص عدم انحراف ایران از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای معرفی کرده است. نکته مهم در این باره آن است که:



الف) روند تصویب قطعنامه‌ها علیه ایران، همان روند قطعنامه‌های ضد عراق و منتهی به جنگ ۲۰۰۳ است.

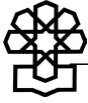
ب) شورای امنیت از همین حالا در فکر قطعنامه چهارم است. صدور قطعنامه‌های بیش‌تر اوضاع داخلی و بین‌المللی را نامناسب‌تر خواهد کرد.

ج) هیچ‌گونه انفعال در قبال صدور قطعنامه جدید پذیرفتنی نیست. نباید مثل مهلت ۶۰ روزه پس از صدور قطعنامه دوم، متصدیان امر در حالت انفعال قرار بگیرند و تنها در وقت اضافه به چند دیدار دیپلماتیک بسنده کنند.

د) صدور سه قطعنامه علیه یک کشور در واقع چیزی جز حالت بحرانی نیست. ایران باید اولاً از تهییج طرف مقابل خودداری کند. از طرف دیگر باید هرگونه اختلاف نظر در مورد نحوه پیگیری و عملکرد مسأله هسته‌ای، بین خود مسئولان حل شود.

تحلیل نهایی

مطمئناً امریکا قطعنامه چهارمی را در دستور کار خود قرار داده است. چنان‌که برنز معاون ریس اعلام کرد که تحریم‌های بیش‌تری علیه ایران اعمال می‌کنیم. در همین راستا دوست بلازی وزیر خارجه امریکا نیز گفت نیاز به تصویب قطعنامه‌ای جدید برای اعمال تحریم‌ها علیه تهران است و ما خواهان آن هستیم تا قطعنامه سوم به اتفاق آراء از سوی شورای امنیت به تصویب برسد تا اعمال تحریم‌ها ادامه پیدا کند. درباره احتمال تصویب قطعنامه دیگر چند نکته قابل تأمل است:



۱. تصویب قطعنامه دیگر مستلزم دستیابی به اتفاق آراء است. شواهد امر نشان می‌دهد که اگرچه امریکا و برخی از کشورهای دیگر اروپایی، راه دشواری برای دسترسی به اجماع دارند ولی به هیچ وجه این مسأله دور از دسترس آن‌ها نیست.

۲. اساساً در میان جامعه نخبگان امریکایی درباره نحوه برخورد با ایران، پنج نوع نگرش قابل استخراج است:

۱. دیپلماسی چندجانبه،

۲. اقدام نظامی پیشگیرانه،

۳. بازدارندگی،

۴. تأخیر و سد نفوذ توان ایران،

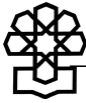
۵. تغییر رژیم و برپایی دموکراسی مورد پسند امریکا،

۶. معامله بزرگ با ایران.

در حال حاضر و با توجه به تحولات عراق و برگزاری اجلاس بغداد شاهد بروز نوعی عملگرایی و در واقع عقب‌نشینی بوش از دکترین تهاجمی‌اش بوده‌ایم. آنچه منافع ملی ایران را تأمین می‌کند معامله بزرگ امریکا با ایران (گزینه ۶) است و اکنون امریکا به ناچار به سمت این گزینه، هر چند به صورت غیررسمی، سوق داده شده است. بر این اساس ایران می‌تواند در صورت لزوم محورهایی را مدنظر قرار دهد:

۱. احتمالاً احزاب امریکایی در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ تعامل با

ایران را در دستور کار خواهند داشت، چرا که توانایی یا ناتوانی در حل پرونده



منابع و مأخذ

1. Iran's Nuclear Weapons Options: Geoffrey Kemp, www.nixoncenter.org
2. Brookings: A Conversation on Iran and U.S. National Security 3. February 14, 2007.
3. Iran hopes to resume nuclear talks with 5+1 2. <http://www.kuna.net.kw/home/story.aspx?Language=en&DSNO=956437>
4. "Proposed UN sanction Could Hurt Iran", CSIS.org.



ایران شکل‌دهنده کارت پیروزی یا شکست آن‌ها در انتخابات است. بهره‌برداری از این رویکرد می‌تواند تلاش نومحافظه‌کاران را برای شکل دادن به یک اجماع در افکار عمومی امریکا علیه ایران ناکام کند.

۲. یکی از آفت‌ها برای پرونده هسته‌ای ایران آن است که این موضوع به شدت همه‌گیر شده است که این امر علاوه بر این‌که توقعاتی در بین مردم ایجاد می‌کند عملاً مذاکرات سیاسی را نیز جهت‌دهی می‌کند. این بدان معناست که مذاکرات دیگر چندان نمی‌تواند مبتنی بر مصالح کشور باشد بلکه در عوض، مبتنی بر احساسات مردم می‌گردد. اکنون تصور غربی‌ها از ما تصور یک «بازیگر خردمند»^۱ که قابل پیش‌بینی باشد نیست. این مسأله در واقع شکل‌دهنده اصلی عنصر «عدم اعتماد» آن‌ها به ما و لزوم «اعتماد سازی» ماست. به نظر می‌رسد در حال حاضر یکی از روش‌های پیشبرد وضع موجود و استفاده از فرصت‌های پدید آمده، آن است که:

الف) در حل پرونده هسته‌ای بر باور عمومی نخبگان اتکا شود و از این حیث لازم است اطلاع‌رسانی مناسب به این افراد صورت گیرد،

ب) نخبگان در کنار وحدت نظری که درباره حل مسأله دارند باید به یک وحدت عملی در پیگیری پرونده دست یابند (پرهیز از تکروری)، این امر یعنی حمایت عمومی نخبگان از رویکردها و تصمیمات کلان نظام می‌تواند در حمایت عمومی مردم نیز مؤثر باشد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۲۹۶

عنوان گزارش: تحولات پرونده هسته‌ای ایران: از ۱۷۳۷ تا ۱۷۴۷

Report Title: Iran's Nuclear Case Developments: from 1737 to 1747

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: ابوذر گوهری مقدم، محمد جمشیدی

همکار: سیدحسین حسینی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. پرونده هسته‌ای (Nuclear Case)

۲. شورای امنیت (Security Council)

۳. قطعنامه ۱۷۳۷ (resolution 1737)

۴. قطعنامه ۱۷۴۷ (resolution 1747)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱/۲۶